

مقاله‌ی پژوهشی

بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی بر کاهش تنیدگی و تغییر سبک‌های مقابله‌ای زوجین متقاضی فرزند

خلاصه

مقدمه: امروزه به واسطه‌ی افزایش میزان ناباروری زوج‌ها و بی‌سرپرستی کودکان، فرزندخواندگی بیشتر در کانون توجه قرار گرفته است. این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی بر کاهش تنیدگی و تغییر سبک‌های مقابله‌ای زوجین متقاضی فرزندخواندگی انجام گرفته است.

روش کار: پژوهش حاضر از نوع طرح‌های نیمه‌آزمایشی است. جامعه‌ی پژوهش شامل تمام زوجین متقاضی فرزندخواندگی بوده که از خرداد ۸۸ لغایت خرداد ۸۹ به سازمان بهزیستی خراسان رضوی مراجعه نموده‌اند. زوجین واجد معیارهای پژوهش به شیوه‌ی نمونه‌ی در دسترس انتخاب و پرسش‌نامه‌ی اضطراب کتل و سبک‌های مقابله‌ای لازاروس و فولکمن را تکمیل نمودند. از بین ایشان تعداد ۱۴ زوج دارای نمره‌ی خام بیشتر از ۳۵ در تست اضطراب و سبک مقابله‌ی هیجان‌مدار در پرسش‌نامه‌ی سبک‌های مقابله بودند، و به روش تصادفی در دو گروه آزمون و شاهد جایگزین شدند. سپس ۸ جلسه‌ی آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی برای گروه آزمون اجرا گردید. گروه شاهد روند عادی مراحل اداری را سپری نمودند. بعد از اجرای مداخله، میزان تنیدگی و سبک‌های مقابله‌ی دو گروه مجدداً اندازه‌گیری و ۶ هفته بعد آزمون پی‌گیری روی گروه آزمون اجرا شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری تحلیل کوواریانس یک سویه و تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر تحلیل گردید.

یافته‌ها: بین دو گروه آزمون و شاهد، از نظر تفاوت نمرات در دو آزمون اضطراب کتل ($P < 0/05$) و سبک‌های مقابله ($P < 0/05$) تفاوت مثبت و معنی‌داری وجود داشت.

نتیجه‌گیری: آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی می‌تواند موجب کاهش میزان تنیدگی زوجین متقاضی فرزند گردیده و باعث شود که این افراد در مقابله با تنیدگی، بیشتر از سبک‌های مقابله‌ی مسئله‌مدار استفاده کنند.

واژه‌های کلیدی: استرس، زوجین، فرزندخواندگی، مهارت‌ها

*الهه ذوقی فیاض

کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران

حمیدرضا آقا محمدیان شریفان

استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

احمد علی پور

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران

مهناز علی‌کبری دهمکردی

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران

*مؤلف مسئول:

ایران، تهران، خیابان استاد نجات‌اللهمی،

دانشگاه پیام نور، گروه روان‌شناسی

fayyaz_elahe@yahoo.com

تاریخ وصول: ۹۰/۹/۹

تاریخ تایید: ۹۱/۳/۷

پی‌نوشت:

این مطالعه پس از تایید کمیته‌ی پژوهشی دانشگاه پیام نور واحد تهران و بدون حمایت مالی نهاد خاصی انجام شده و با منافع نویسندگان ارتباطی نداشته است. از همکاری مسئولان محترم سازمان بهزیستی خراسان رضوی به ویژه همکاران محترم شیرخوارگاه و خانه‌ی نوباوگان حضرت علی اصغر (ع) و نیز زوجین شرکت‌کننده در این طرح سپاسگزاری می‌گردد.

Original Article

The efficacy of adoption skills training on stress reduction and change of coping styles among couples who are applicants for having an adopted child

Abstract

Introduction: Today, due to increased infertility in couples and a lack of guardianship of orphan children, much attention has been drawn on adoption. Purpose of this research was to investigate the effectiveness of adoption skills training on stress reduction and improving coping styles of couples who are applicants for having an adopted child.

Materials and Methods: Present study has semi-experimental design. The research community consisted of all couples who are adoptive applicants to have an adopted child and in 2009-2010 referred to the Welfare Organization of Khorasan Razavi. Couples who are eligible for the research criteria were selected by convenience sampling method. They filled in Cattle Anxiety Inventory and Lazarus and Folkman Coping Styles Inventory. 14 couples who had raw score greater than 35 in anxiety test and emotion oriented coping style in Coping Style Inventory were selected and allocated by random assignment method in control or experimental groups. Then eight sessions of adoption skills training were carried out for the experimental group. The control group passed the normal process of administrative stages. The rate of stress and coping styles of both groups were measured after treatment and the following six weeks performed to evaluate the passage of time on the experimental group. Data were analyzed by one-way analysis of variance and repeated measurements variance.

Results: There was a significant and positive difference in scores of two tests (Cattle Anxiety and Lazarus and Folkman coping styles) between two experimental and control groups ($P < 0.05$).

Conclusion: Finally, it can be concluded that adoption skills training can reduce stress levels of experimental group and makes the people to use more problem oriented coping styles in coping with stress.

Keywords: Adoption, Couples, Skills, Stress

**Elahe Zoghi Fayyaz*

M.Sc. in psychology, Payam-e-Nour University, Branch of Tehran

Hamid Reza Aghamohammadian Sharbaf

Professor of psychology, Ferdowsi University of Mashhad

Ahmad Alipor

Associate professor of psychology, Payam-e-Nour University, Branch of Tehran

Mahnaz Aliakbari Dehkordi

Assistant professor of psychology, Payam-e-Nour University, Branch of Tehran

***Corresponding Author:**

Department of psychology, Payam-e-Nour University, Nejatollahi St., Tehran, Iran

fayyaz_elahe@yahoo.com

Received: Nov. 30, 2011

Accepted: May. 27, 2012

Acknowledgement:

This study was approved by research committee of Payam-e-Nour University, branch of Tehran of. No grant has supported this study and the authors had no conflict of interest with the results.

Vancouver referencing:

Zoghi Fayyaz E, Aghamohammadian Sharbaf HR, Alipor A, Aliakbari Dehkordi M. The efficacy of adoption skills training on stress reduction and change of coping styles among couples who are applicants for having an adopted child. *Journal of Fundamentals of Mental Health* 2012; 14(3): 210-19.

مقدمه

نگرانی‌های بسیاری مواجه می‌شوند، ممکن است نگران عدم دلبستگی به کودک باشند، هم‌چنین مباحث مربوط به هویت و نحوه‌ی شکل‌گیری آن از مهم‌ترین چالش‌های این خانواده‌ها می‌باشد (۶).

وجود این نگرانی در زوجین در کنار پذیرش و تجربه‌ی نقش والدگری برای نخستین بار می‌تواند تنش و فشار روانی بسیاری را برای آن‌ها به همراه داشته باشد. استرس مفهوم مهمی در فرزندپروری است و در اکثر مواقع رابطه‌ی بسیار نزدیکی با اختلال در کنش‌های والدین و کودکان دارد. این موضوع می‌تواند باعث کاهش توانایی والدین در شناسایی و درک صحیح پیامدهای کودک و گاه تشدید مشکلات رفتاری کودکان شود (۷).

همان‌گونه که ذکر شد تجربه‌ی ناباروری، مواجهه با درمان‌های سخت و پرزحمت، دوره‌های انتظار طولانی، احساس تنهایی و طرد شدن و پذیرش فرزندخواندگی باعث گردیده این افراد سطوح بالای اضطراب و علائم جسمانی را از خود نشان دهند و سازگاری آنان با مشکل مواجه شود. این تنش و فشار روانی مانع آن می‌شود که در شرایط تنش‌زا معقولانه فکر کرده و شیوه‌ی مقابله‌ی مسئله‌مدار داشته باشند و بیشتر از شیوه‌ی هیجان‌مدار استفاده می‌کنند (۸). در حالی که پژوهشگران بر این باورند که در بسیاری از شرایط تنش‌زا، به کارگیری شیوه‌های مقابله‌ای متمرکز بر مسئله (مسئله‌محور) سازگارانه‌تر از به کارگیری راهبردهای هیجان‌محور است (۹). تحقیقات نشان داده‌اند راهبردهای مقابله با استرس ریشه در تجربیات دوران کودکی افراد دارد. کودکان الگوهای مقابله با استرس والدین را مشاهده می‌نمایند و یاد می‌گیرند که والدین آن‌ها چگونه با رویدادهای تنش‌زا مقابله می‌کنند (۱۰). با توجه به این که شیوه‌های تربیتی کودک و محیط خانوادگی می‌توانند موجب تحول و تکامل راهبردهای مقابله با استرس شوند، این والدین بالقوه باید از شیوه‌های مقابله‌ی سازگارانه برخوردار باشند تا کودکان آن‌ها نیز بتوانند سبک‌های مقابله‌ی موثر داشته باشند.

از سوی دیگر کودکانی که مدت زمان طولانی در مراکز شبانه‌روزی زندگی می‌کنند دارای مشکلات هیجانی، رفتاری و

زادوری و باروری همواره یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده به شمار رفته و داشتن فرزند، با رشد و ورود به دنیای بزرگسالی برابر دانسته شده است. در تمام فرهنگ‌ها زن و شوهر در صورت ناتوانی برای بچه‌دار شدن خود را ناکامل می‌شمارند و دست‌یابی به نقش والدینی را شرط اساسی کمال فردی، پذیرش اجتماعی، تکمیل هویت جنسی و موقعیت کامل بزرگسالی می‌دانند (۱). به همین دلیل زوج‌های نابارور کوشش فراوانی را صرف تشخیص و درمان ناباروری می‌کنند (۲). در ایران نیز به علت ویژگی‌های فرهنگی، موضوع باروری بسیار اهمیت دارد و زمینه و شرایط روانی و اجتماعی نیز به اهمیت این موضوع افزوده و آن را برای فرد، تبدیل به بحران روانی و اجتماعی می‌نماید (۳). بر این اساس، منطقی است که فرض شود ناتوانی در داشتن فرزند، تنش‌زا بوده و باعث آشفتگی در کیفیت زندگی شود (۴). در این موارد، تمایل شدید به داشتن بچه می‌تواند تا پذیرفتن کودکی به فرزندگی که طبیعت او را از داشتن والدین محروم کرده است پیش برود.

فرزندخواندگی^۱ راه حلی منطقی جهت تامین این نیاز ذاتی بشر می‌باشد. با توجه به این مباحث می‌توان فرزندخواندگی را شیوه‌ای از مراقبت فرزندان دانست که در آن رابطه‌ی والد-فرزندگی به شیوه‌ای قانونی، عاطفی و اجتماعی بین افرادی برقرار می‌شود که هیچ رابطه‌ای به واسطه‌ی تولد با یکدیگر ندارند و تلاش می‌کنند به اهداف خود یعنی تجربه‌ی والدینی، والدگری و پاسخ به فقدان‌هایی که تجربه کرده‌اند، دست یابند (۵). فرزندپذیری گرچه به عنوان راه حلی جهت تامین نیاز والدگری زوجین می‌باشد اما برخلاف آن چه از عنوان آن برداشت می‌شود و گمان می‌رود که موضوعی به سادگی در آغوش گرفتن یک کودک است، آمیزه‌ای از موضوعات و مسائل پیچیده را دربرمی‌گیرد که به هنگام ورود به این فرآیند و به تدریج برای مثلث فرزندپذیری در این حوزه آشکار می‌شوند (۵). هنوز هم این موضوع چه تحت تاثیر نگاه خانواده‌ی ایرانی یا عرف و یا ملاحظات حقوقی موجود با احتیاط و تنش فراوانی برای خانواده‌ها همراه است، آن‌ها با

^۱Adoption

نتایج تحقیقات ذکر شده و نیز وجود هفت هزار خانواده در نوبت فرزندخواندگی که گویای شمار گسترده‌ای از افراد و خانواده‌های درگیر این پدیده می‌باشند بیان‌کننده‌ی اهمیت و ضرورت توجه به این موضوع می‌باشد، لذا لازم است که برای فراهم نمودن زندگی سالم و بانشاط و مقابله‌ی موثر و سازگارانه با عوامل تنش‌زا و نگرانی‌ها، این والدین بالقوه به ابزارهای تدافعی مجهز گردند. آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی از جمله ابزارهایی می‌باشد که می‌تواند در کاهش تنیدگی و اتخاذ شیوه‌ی مواجهه‌ای مناسب با وقایع تنیش‌زای زندگی موثر واقع شوند.

انواع گسترده‌ای از برنامه‌های آموزشی جهت آموزش والدین فرزندپذیر در نقاط مختلف دنیا تدوین و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش از رویکرد مدل به مشارکت در آماده‌سازی والدین/گروه و انتخاب خانواده‌های فرزندپذیر (MAPP/GPS)⁵ استفاده شده است تا از طریق این برنامه‌ی آموزشی، معلومات، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز این والدین بالقوه گسترش یابد. این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی بر کاهش استرس و تغییر سبک‌های مقابله‌ی زوجین متقاضی فرزندخواندگی انجام گرفته است.

روش کار

پژوهش حاضر این تحقیق نیمه‌آزمایشی، از نوع طرح‌های پیش‌آزمون-پس‌آزمون-پی‌گیری بوده و در آن از دو گروه آزمون و شاهد استفاده شده است.

جامعه‌ی آماری این پژوهش تمام زوجینی می‌باشند که از تاریخ خرداد ۱۳۸۸ لغایت خرداد ۱۳۸۹ با مراجعه به سازمان بهزیستی خراسان رضوی تقاضای فرزندخواندگی نموده‌اند و از بین آن‌ها، ۱۴ زوج را که دارای معیارهای موردنظر پژوهش (حداقل سطح تحصیلات دیپلم، حداقل سن ۲۵ و حداکثر ۴۵ سال، طول مدت ازدواج حداقل ۵ سال، وجود مشکل ناباروری) بوده و مطابق با مقیاس اضطراب کتل دارای سطح اضطراب متوسط به بالا (نمره‌ی خام بیشتر از ۳۵) و نیز سبک

اختلالات ارتباطی می‌باشند و به همین دلیل در ارتباط با همسالان، بیشتر با شکست مواجه می‌شوند (۱۱). هنگامی که این کودکان در محیط جدید به عنوان فرزندخوانده پذیرفته می‌شوند این مسائل گاه باعث بروز مشکلات در فرآیند سازگاری کودک با محیط خانواده‌ی جدید و عدم توانایی والدین در کنترل آن‌ها و در نهایت مشکلات در روابط والدینی می‌شود و با توجه به خطر بروز تعارض در روابط والد-کودک ضرورت آماده‌سازی والدین بالقوه جهت درک حضور فرزند جدید در محیط خانواده و وجود مهارت‌های فرزندپذیری ویژه برای این والدین آشکار می‌باشد (۱۱).

بودی و جکسون در بررسی تاثیر آموزش والدین فرزندپذیر بیان نمودند که آموزش، این والدین را برای مدیریت رفتارهای کودکان آماده ساخته و در فرآیند تصمیم‌گیری و پذیرش فرزند به آن‌ها کمک می‌کند (۱۲). پکیفیک و همکاران در پژوهش خود که به آموزش آنلاین والدین فرزندپذیر پرداخته بودند به این نتیجه رسیدند که این آموزش، رضایت و دقت والدین را بالا برده و باعث گردیده آگاهی‌شان در خصوص نیازهای فرزندشان افزایش یابد (۱۳). بادن معتقد است تاکنون توجه چندانی به امور مشاوره با فرزندخوانده‌ها نشده است و بیشتر مطالعات صورت گرفته به بررسی تاثیر وراثت در آن‌ها پرداخته است. وی در پژوهش خود بیان می‌کند که فرزندخوانده‌ها دارای چالش‌ها و نگرانی‌ها و سبک‌های مقابله‌ی متفاوت هستند و نیازمند دریافت خدمات مشاوره‌ای خاص و ویژه می‌باشند (۱۴). دونور در تحقیقی به بررسی این سوال پرداخته است که بهترین راه برای آماده‌سازی و حمایت از والدین فرزندپذیر چه می‌باشد. وی در پژوهش خود به تدوین برنامه‌ی آموزشی پرداخته است که بر آماده‌سازی والدین جهت درک و مدیریت رفتارهای فرزندان‌شان تمرکز دارد و بیان نموده است که اطلاعات داده شده به والدین به عنوان راهنمایی است که در تمام حوزه‌های مختلف، آن‌ها را راهنمایی می‌کند (۱۵).

¹Puddy and Jackson

²Pacific

³Baden

⁴Donor

⁵Model Approach to Partnerships in Parenting/ Group Preparation and Selection of Foster and/or Adoptive Families

از آن جا که راهبردهای توصیف شده، راهبردهایی هستند که افراد در مقابله با خواست‌های موقعیت‌های تنش‌زا آن‌ها را به کار می‌برند، پرسش‌نامه‌ی سبک‌های مقابله‌ای روایی صورتی دارد. لازاروس و فولکمن ضریب پایایی را به روش آلفای کرونباخ برای هر یک از خرده‌مقیاس‌های سبک مسئله‌مدار ۰/۶۰ تا ۰/۷۵ و برای خرده‌مقیاس‌های هیجان‌مدار در دامنه‌ی ۰/۶۶ تا ۰/۷۹ گزارش کردند (۱۹).

قدمگاهی و دژکام ضریب همسانی درونی را با بهره‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۱ تا ۰/۷۹ و پایایی بازآزمایی این آزمون را در فاصله‌ی چهار هفته ۰/۵۹ تا ۰/۸۳ گزارش کردند (۲۰).

به منظور رعایت اخلاق پژوهش و حقوق آزمودنی‌ها ضمن اعلام صریح داوطلبانه بودن شرکت، هم به صورت شفاهی (قبل از اجرا) و هم به صورت کتبی (بالای پرسش‌نامه) خاطر نشان گردید که اطلاعات درخواستی در این پرسش‌نامه‌ها، صرفاً به منظور اهداف پژوهشی است.

آزمودنی‌ها به جای نام خود در پرسش‌نامه‌ها شماره و یا کد خاصی وارد می‌کردند تا اطلاعات مربوط به آن‌ها کاملاً محرمانه باقی بماند.

در این پژوهش، زوجین متقاضی گروه آزمون تحت ۸ جلسه (یک بار در هفته و هر جلسه به مدت ۲ ساعت) آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی قرار گرفتند و گروه شاهد روند عادی مراحل اداری را سپری نمودند.

سر فصل جلسات آموزشی در جدول ۱ (سر فصل محتوی جلسات آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی) ذکر شده است. پس از اتمام مداخله، آزمون‌های اجرا شده در پیش‌آزمون، برای هر دو گروه آزمون و شاهد دوباره اجرا شد.

مدت شش هفته پس از انجام پس‌آزمون، به منظور پی‌گیری و بررسی ماندگاری تاثیر آموزش، آزمون‌های اجرا شده در پس‌آزمون به عنوان آزمون پی‌گیری، مجدداً بر روی گروه آزمون اجرا گردید. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری تحلیل کوواریانس و تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر مورد پردازش آماری قرار گرفت.

مقابله‌ای هیجان‌محور در پرسش‌نامه‌ی سبک‌های مقابله‌ای لازاروس-فولکمن بوده‌اند، انتخاب شده و به طور تصادفی در دو گروه آزمون (۷ زوج) و شاهد (۷ زوج) جایگزین شدند.

داده‌های مورد نظر به کمک ابزارهای زیر گردآوری شدند: پرسش‌نامه‌ی اضطراب کتل: جهت بررسی میزان استرس زوجین استفاده شد. حاوی ۴۰ سؤال است و در نمره‌گذاری بایستی مجموع نمرات ۲۰ پرسش نخست (۲۰-۱) و ۲۰ پرسش بعدی (۴۰-۲۱) را به طور جداگانه مشخص کنیم و سپس جمع کل نمرات را به دست آوریم.

نمره‌ی خامی که به دست می‌آید به نمرات طراز شده تبدیل گردیده و وضعیت آزمودنی نسبت به اضطراب مشخص می‌شود. بررسی‌های متعدد در ایران روایی و اعتبار این مقیاس را تایید کرده‌اند.

برای مثال در پژوهشی روایی این پرسش‌نامه بر اساس محاسبه‌ی همبستگی بین عوامل اضطرابی کتل، آزمون اضطراب صفت-حالت اشیپیل‌برگر^۱ و فهرست اضطراب مورد تایید قرار گرفته است (۱۶). شیخ الاسلامی اعتبار آزمون را از طریق روش دو نیمه کردن ۰/۹۱ در اضطراب آشکار و ۰/۹۰ در اضطراب پنهان ذکر نموده است (۱۷).

پرسش‌نامه‌ی سبک‌های مقابله‌ای لازاروس-فولکمن: برای سنجش افکار و اعمال افراد برای مقابله با رویدادهای تنش‌زای زندگی روزمره به کار می‌رود. دارای ۶۶ ماده و ۸ مقیاس بوده است که تمام مقیاس‌های آزمون، در ۲ خوشه‌ی اصلی، روش‌های رویارویی هیجان‌محور (مقابله‌ی رویارویی، دوری‌جویی، خویش‌ن‌داری، گریز-اجتناب) و مسئله‌محور (جست و جوی حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، حل مدبرانه‌ی مسئله و بازبرآورد مثبت) قرار می‌گیرند (۱۸).

افراد به هر ماده، روی یک مقیاس چهار گزینه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند که بسامد هر راهبرد را به این شکل نشان می‌دهد. صفر نشانگر «به کار نبردم» یک، نشانگر «تا حدی به کار بردم» دو، نشانگر «بیشتر مواقع به کار بردم» و سه، نشانگر «به مقدار زیاد به کار بردم» است (۱۹).

¹Spilberger State-Trait Anxiety Inventory

²Sheehan Patient-Rating Anxiety Inventory

جدول ۱- سر فصل محتوی جلسات آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی

جلسه اول	ایجاد ارتباط و معرفی اعضا به یکدیگر، وضع قواعد و ساختار جلسات و توضیح علل و اهداف تشکیل گروه
جلسه دوم	آشنایی اعضا با احساسات غم، فقدان و تنش در فرزندخواندگی و آموزش روش آرام‌سازی
جلسه سوم	آشنایی اعضا با حوزه‌های سلامت روان مرتبط با فرزندخواندگی و تشریح شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی در این افراد
جلسه چهارم	آشنایی اعضا با موقعیت‌های دشوار در امور رشدی فرزندخوانده‌ها و افزایش مهارت در خصوص چگونگی مقابله با این مسائل
جلسه پنجم	توضیح لزوم آگاه‌سازی کودک از فرزندخواندگی و ارایه‌ی راهکارهای لازم
جلسه ششم	توضیح چگونگی شکل‌گیری هویت در افراد فرزندخوانده و بیان اهمیت مفهوم جستجو
جلسه هفتم	نحوه‌ی سازگاری با حضور فرزند جدید، توصیف راهکارهای مقابله‌ی کارآمد و ناکارآمد و آموزش ۸ مهارت مقابله
جلسه هشتم	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی از جلسات آموزشی، انجام پس‌آزمون و ختم جلسات

نتایج**جدول ۲- جدول ارزیابی همگنی زوجین متقاضی فرزند تحت**

آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی قرار گرفته و گروه کنترل

متغیر	یافته‌های آمار توصیفی	گروه‌های نمونه	
		گروه آزمایش ۱۴ نفر	گروه کنترل ۱۴ نفر
سن	میانگین	۳۴	۳۴
	انحراف استاندارد	۶	۷
طول مدت ازدواج	میانگین	۵/۰۷	۴/۱۱
	انحراف استاندارد	۲/۱۰	۲/۰۷
میزان تحصیلات	دیپلم	۶	۵
	کارדانی	۳	۳
	کارشناسی	۵	۶
جنس	مرد	۷	۷
	زن	۷	۷
شغل	آزاد	۲	۲
	کارمند	۴	۴
	فرهنگی	۴	۳
	خانه‌دار	۴	۴
	کارگر	۰	۱

فراوانی و نحوه‌ی توزیع متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ذکر شده و همان گونه که مشاهده می‌شود دو گروه نمونه از نظر متغیرهای میزان تحصیلات، سن، جنس، شغل و طول مدت ازدواج همسان بودند.

میانگین نمرات آزمودنی‌های پژوهش در متغیرهای اضطراب و سبک مقابله (هیجان‌مداری و مسئله‌مداری) پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پی‌گیری در جدول ۳ ارایه شده است. همان طور که در جدول دیده می‌شود میانگین نمرات اضطراب و هیجان‌مداری آزمودنی‌ها در پس‌آزمون کاهش یافته و نمرات مسئله‌مداری در پس‌آزمون و پی‌گیری افزایش یافته است.

یافته‌ها، حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی میزان تنش زوجین متقاضی فرزندخواندگی را کاهش می‌دهد زیرا آزمون تحلیل کوواریانس (جدول ۴) میان نمرات اضطراب دو گروه شاهد و آزمون، تفاوت معنی‌داری را در سطح $P = 0/005$ و $F = 5/559$ نشان داد.

جدول ۳- مقایسه‌ی میانگین و انحراف استاندارد نمرات مقیاس‌های اضطراب و سبک مقابله در پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پی‌گیری در

زوجین متقاضی فرزند تحت آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی قرار گرفته و گروه کنترل

مقیاس	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پی‌گیری	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
اضطراب کلی	۴۳/۱۴	۶/۳۶	۲۷/۸۶	۲/۷۹	۳۰/۶۴	۳/۴۳
زوجین آموزش دیده	۴۳/۸۶	۶/۲۱	۴۲/۷۱	۵/۹۳	۴۴/۷۷	۶/۴۳
زوجین گروه کنترل	۳۵/۰۳	۱۰/۰۹	۳۴/۲	۴/۷	۳۴/۹	۳/۸
هیجان‌مداری	۴۱/۰۷	۴/۲۸	۳۹/۶	۴/۴	۴۱/۶	۴/۰۴
زوجین گروه کنترل	۳۴/۲	۵/۶۶	۴۲/۶	۴/۲	۳۸/۸	۱۰/۰۲
مسئله‌مداری	۳۷/۱۴	۶/۳۲	۳۵/۹	۵/۷	۳۵/۲	۵/۵
زوجین آموزش دیده						
زوجین گروه کنترل						

جدول ۴- نتایج تحلیل کوواریانس یک سویه‌ی نمرات اضطراب

زوجین متقاضی فرزند تحت آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی
قرار گرفته و گروه کنترل

منابع تغییرات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	آماره‌ی F	سطح معنی‌داری	توان آزمون
اثر آموزش	۱	۱۴/۱۸۵	۹/۵۵۹	۰/۰۰۵	۰/۸۴۴
اثر گروه	۱	۷۳/۶۵۹	۴۹/۶۳۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰

تحلیل کوواریانس نمرات سبک مقابله (هیجان‌مداری و

مسئله‌مداری) نشان‌دهنده‌ی آن است که عامل آموزش یعنی مداخله موثر بوده و باعث تغییر در پراکندگی نمرات شده است و این تفاوت در سطح بالاتر از ۹۹ درصد اطمینان، معنی‌دار است ($P < ۰/۰۱$). نتایج تحلیل کوواریانس سبک مقابله در جدول ۵ مشهود است. این نتایج نشان می‌دهند آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی سبک‌های مقابله‌ی زوجین متقاضی فرزندخواندگی را تغییر می‌دهد.

جدول ۵- نتایج تحلیل کوواریانس یک سویه‌ی نمرات سبک مقابله‌ی زوجین متقاضی فرزند تحت آموزش مهارت‌های

فرزندخواندگی قرار گرفته و گروه کنترل

منابع تغییرات	مقیاس	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	آماره‌ی F	سطح معنی‌داری	توان آزمون
اثر آموزش	هیجان‌مداری	۱	۲۵۶/۲۲۳	۲۱/۴۶۰	۰/۰۰۰	۰/۹۹۴
	مسئله‌مداری	۱	۳۳۰/۵۳۰	۲۴/۱۳۳	۰/۰۰۰	۰/۹۹۷
اثر گروه	هیجان‌مداری	۱	۲۹۳/۵۱۹	۲۴/۵۸۴	۰/۰۰۰	۰/۹۹۷
	مسئله‌مداری	۱	۱۷۳/۹۹۰	۱۲/۷۰۴	۰/۰۰۲	۰/۹۲۸

جهت پی‌گیری اثر آموزش و اثر گذشت زمان، افراد گروه آزمون تحت آزمون پی‌گیری نیز قرار گرفتند و هر دو آزمون اضطراب، سبک‌های مقابله (مسئله‌مداری و هیجان‌مداری) برای بار سوم با فاصله‌ی زمانی شش هفته اجرا گردید. سپس با استفاده از سه نمره‌ای که هر یک از افراد گروه آزمون داشتند،

تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر یک سویه انجام گرفت. همان‌گونه که نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر جدول ۶ نشان می‌دهند تغییرات درون‌فردی در سه بار اندازه‌گیری در هر سه مقیاس (اضطراب، مسئله‌مداری و هیجان‌مداری) از نظر آماری معنی‌دار بوده‌اند.

جدول ۶- نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر متغیرهای اضطراب و سبک مقابله گروه آزمایش

(زوجین متقاضی فرزند تحت آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی قرار گرفته)

منابع تغییرات	مقیاس	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	آماره‌ی F	سطح معنی‌داری	توان آزمون
اثر آموزش	اضطراب	۲	۵۰/۷۳۸	۷۳/۸۷۵	۰/۰۰۰	۱
	هیجان‌مداری	۲	۹۰/۳۸۱	۱۲/۳۳۱	۰/۰۰۰	۰/۹۹۱
	مسئله‌مداری	۲	۱۵۸/۱۶۷	۱۴/۴۹۷	۰/۰۰۰	۰/۹۹۷

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر محققین هیچ‌گونه پیشینه‌ی پژوهشی کاملاً مشابه در رابطه با موضوع مورد بررسی در پژوهش‌های داخلی نیافته‌اند و پژوهش حاضر احتمالاً یکی از نخستین پژوهش‌ها در زمینه‌ی موضوع مورد تحقیق می‌باشد و از آن جا که در این پژوهش متغیرهایی چون استرس، سبک مقابله و فرزندخواندگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های مربوط به این متغیرها، مقایسه می‌گردد. نتایج کسب شده در این پژوهش حاکی از این است که تفاوت

معنی‌داری میان دو گروه نمونه (آزمون و شاهد) از نظر تفاوت نمرات در آزمون اضطراب در پس‌آزمون وجود دارد و می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی در کاهش استرس زوجین متقاضی فرزندخواندگی موثر بوده است. این یافته‌ها نتایج پژوهش دونور مبنی بر این فرضیه که آماده‌سازی، آموزش و حمایت والدین برای ایجاد ثبات در فرزندخواندگی و کاهش نگرانی‌های خانواده ضروری می‌باشد را تایید می‌کند (۱۵). علاوه بر این، نتایج پژوهش پودی و جکسون که نشان داده‌اند آموزش مناسب باعث کاهش تنش

در پدر و مادرخوانده و ارتباط بهتر آن‌ها می‌گردد، با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو می‌باشد (۱۲).

دورسی^۱ و همکاران با استناد به نتایج تحقیقاتی که انجام داده‌اند، تاثیر برنامه‌های آموزشی حمایت‌کننده بر خانواده‌های دارای کودکان با نیازهای ویژه، در کاهش استرس والدین و افزایش کیفیت روابط والد-کودک مثبت ارزیابی کرده‌اند (۲۱). تیمر^۲ و همکاران نیز بیان کردند که درمان رابطه‌ی والد-کودک از طریق ارایه‌ی آموزش به والدین باعث کاهش مشکلات رفتاری کودکان و نیز کاهش تنش والدین نسبت به دوره‌ی پیش از آموزش می‌شود (۲۲)، کرام^۳ نیز بیان نموده است که آموزش والدین می‌تواند با ایجاد حس صلاحیت و افزایش سطح حرمت خود در ایفای نقش والدینی بر اثر حمایت شبکه‌ی اجتماعی، استرس را کاهش داده و والدگری را ارتقا بخشد (۲۳).

در این پژوهش، کاهش استرس را می‌توان ناشی از آگاه‌سازی این زوجین نسبت به مفاهیم و مسائلی دانست که همواره عدم آگاهی نسبت به آن‌ها، باعث بروز نگرانی در این زوجین می‌شده است و حال با افزایش سطح معلومات و دانش، تنش و نگرانی آن‌ها در این خصوص کاهش یافته و از سویی در صورت مواجهه با رویدادی تنش‌زا می‌توانند با استفاده از روش خودآرام‌سازی با اضطراب خود، مقابله نموده و آن را کاهش دهند، به گونه‌ای که پس از گذشت ۶ هفته از آموزش، میزان استرس زوجین نسبت به پیش‌آزمون هم‌چنان کاهش یافته است و آن‌ها توانسته‌اند از این روش به طور عملی استفاده نموده و تاثیر آن را در روند عادی زندگی مشاهده نمایند.

هم‌چنین نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی، سبک‌های مقابله‌ی زوجین متقاضی را تغییر داده و باعث گردیده در گروه آزمون در مقایسه با شاهد به طور معنی‌داری نمرات هیجان‌مداری، کاهش و نمرات مسئله‌مداری، افزایش یابد.

پژوهش پودی و جکسون که به مطالعه بررسی تأثیر آموزش والدین فرزندپذیر در رشد مهارت‌های فرزندپذیری پرداخته‌اند

و توانستند این فرضیه را اثبات کنند که آموزش والدین می‌تواند آن‌ها را در فرایند تصمیم‌گیری و پذیرش کودک کمک نماید و نحوه مقابله موثر با مشکلات را به آن‌ها آموزش دهد، این نظریه را تایید می‌کند (۱۲). نتایج پژوهش پرایس و همکاران مبنی بر این که مداخله و آموزش در تغییر رفتارهای والدین موثر بوده و باعث استحکام فرایند جایگزینی کودک در خانواده‌ی فرزندپذیر می‌شود با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو می‌باشد (۲۴).

پکیفیک در پژوهش خود بیان نمود که آموزش تحت وب (آنلاین) والدین سبب افزایش معلومات و اصلاح نگرش‌ها و سبک‌های مقابله با عوامل تنش‌زا و افزایش رضایت‌مندی در ایشان گردیده است (۱۳). رینوزو و همکارش در پژوهش خود اثبات می‌کنند کودکانی که والدین‌شان مقابله‌ی موثری دارند اضطراب موقعیتی کمتری را تجربه و به طور معنی‌داری از سبک مقابله‌ی گرایشی استفاده می‌کنند (۲۵).

نکته‌ی مهم دیگری که در توصیه‌ی اثربخشی مداخله‌ی مذکور می‌توان به آن اشاره کرد اثر حمایت روانی گروه است. با توجه به این که این افراد، احساس تنهایی کرده و مشکل‌شان را منحصر به فرد می‌دانند و از طرفی نمی‌توانند احساسات و مشکلات خود را در هر جایی مطرح کنند، لذا گروه، امن‌ترین مکان جهت تخلیه‌ی روانی و بحث در مورد ناگفته‌ها را فراهم نموده و می‌تواند تنش ناشی از عدم حمایت اجتماعی را در آن‌ها کاهش داده و باعث نوعی آرامش روانی در ایشان گردد. روش‌های مختلف درمانی هم‌چون آموزش شناختی رفتاری، مدیریت تنش، آموزش مهارت‌های مقابله و حل مسئله در کاهش استرس و تغییر سبک‌های مقابله‌ی گروه‌های مختلف موثر بوده‌اند با این حال با استناد به پژوهش بادن که اثبات کرد فرزندخوانده‌ها و والدین آن‌ها دارای چالش‌ها، نگرانی‌ها و سبک‌های مقابله‌ی متفاوت هستند (۱۴) این افراد، نیازمند دریافت مشاوره و آموزش‌های ویژه‌ای می‌باشند. آموزش مهارت‌های فرزندخواندگی به عنوان مجموعه‌ای از مفاهیم مختلف که این والدین بالقوه در آینده در برخورد با

⁴Price
⁵Reinoso

¹Dorsey
²Timmer
³Crum

کودکان‌شان با آن‌ها مواجه می‌شوند قادر است به عنوان راهنمایی در تمام مراحل مختلف به این والدین کمک نماید تا بتوانند فرزندانی سالم و موفق تربیت نمایند تا در نهایت، امکان جامعه‌ای سالم و موفق میسر گردد.

مرکز خاصی بوده است و امکان انتخاب تصادفی وجود نداشت و دیگر این که امکان پی‌گیری نتایج در طولانی‌مدت به علت محدودیت زمانی وجود نداشت، لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی گسترده‌تر بر روی زوجین متقاضی با فرهنگ‌های متفاوت و با دوره‌های پی‌گیری طولانی‌مدت انجام شود تا بهتر بتوان نتایج را بر روی تمام زوجین متقاضی فرزند تعمیم داد.

در مطالعه‌ی حاضر محدودیت‌هایی وجود داشت. در ابتدا این که حجم نمونه‌ی حاضر محدود به افراد مراجعه کننده به

References

1. Daniluk JC. Infertility: Interpersonal and intrapersonal impact. *J Fertil Steril* 2003; 49: 982-5.
2. Dhillon R, Cumming C, Cummind D. Psychological well-being and coping patterns in infertile man. *J Fertil Steril* 2000; 45(5): 702-3.
3. Neel Frooshan P, Ahmadi A, Abedi MR. [The effects of cognitive-behavioral consultation based on interactive cognitive subsystems approach on infertile couples' change of attitude]. *Journal of family study* 2007; 2: 5-8. (Persian)
4. Pahlavani H, Malakooti K, Shahrokh E. [Study of stressors, coping strategies and its relation to mental health in infertile persons]. *Andeesheh va Raftar* 2002; 7(4): 79-81. (Persian)
5. Razaghi R. [Adoption]. 1st ed. Tehran: Public relations publishing of Welfare Organization; 2007: 1-16. (Persian)
6. Sepehr H. [Status and challenges in relation to adoption and care of children in alternative families]. *Journal of fertility and infertility* 2001; 2(8): 62-4. (Persian)
7. Farzadfar Z, Hooman HA. [The role of parenting skills training on reduction stress of mothers and children's behavioral problems]. *Journal of Iranian psychologists* 2009; 4(3): 278-80. (Persian)
8. Shakeri J. Study of general health, coping strategies and marital satisfaction in infertile women. *J Reprod Infertil* 2007; 7(3): 270-1.
9. Lazarus R. From psychological stress to the emotion: A history of changing out looks. *J Ann Rev Psychol* 2001; 4: 190-9.
10. Chavoshfar J, Rasoolzadeh K. [Comparative study of stress factors and encounter styles in adolescents in circadian centers and adolescents with parents]. *Journal of psychology* 2000; 4(2): 170-3. (Persian)
11. Oreme J, Buehler C, McSurdy M, Rhodes K, Cox E, Patterson D A. Parental and familial characteristics of family foster care applicants. *J Children Youth Serv Rev* 2004; 26: 307-12.
12. Puddy R, Jackson Y. The development of parenting skills in foster parent training. *J Children Youth Serv Rev* 2003; 25(12): 987-93.
13. Pacifici C, Delney R, White L. Web-based training for foster, adoptive, and kinship parents. *Children Youth Serv Rev* 2006; 28: 1329-33.
14. Baden A, Wiley M. Counseling adopted persons in adulthood: integrating practice and research. *J Couns Psychologist* 2007; 35: 868-71.
15. Donor P. Adoptive parent preparation project. Evan B. Donaldson Adoption Institute. [cited 2008]. Available from: URL; <http://www.adoptioninstitute.org>.
16. Neamat Tavoossy M. [Effect of gradual stress relieving training on management of stresses due to everyday life events]. *Journal of Iranian psychologists* 2009; 16:325-327. (Persian)
17. Sheikholeslami F. [Study of group therapy effect on anxiety rate in patients with heart attack in selected hospitals of Isfahan University of Medical Sciences]. *Journal of fundamentals of mental health* 2003; 6: 102-104. (Persian)

18. Ghazanfari F, Ghadampoor E. [The study of relationship between coping strategies and mental health of residents of Khorramabad]. *Journal of fundamentals of mental health* 2009; 10(1): 48-49. (Persian)
19. Aghayoosefi A. [The role of personality factors on coping strategies and coping method therapy effect on personality factors and depression]. Ph.D. Dissertation. Tehran: Tarbiat Modarres University, 2001: 80-100. (Persian)
20. Ghadamgahi J, Dojkam M. [Quality of social relationships, stress rate and coping strategies with it in patients with cardiovascular heart disease]. *Andeesheh va Raftar* 1998; 4(1): 7-10 (Persian)
21. Dorsey S, Farmer EM, Barth RP, Greene KM. Current status and evidence base of training for foster and treatment foster parent. *J Children Youth Serv Rev* 2008; 30: 1403-16.
22. Timmer S, Urquiza A, Zebell N. Challenging foster caregiver-maltreated child relationships: The effectiveness of parent-child interaction therapy. *J Children Youth Serv Rev* 2006; 28: 2-6.
23. Crum WES. Foster parent parenting characteristics that lead to increased placement stability or disruption. *J Children Youth Serv Rev* 2010; 32(2): 185-90.
24. Price JM, Chamberlain P, Landseverk J, Reid J. Keep foster-parent training intervention: Model description and effectiveness. *J Child Fam Soc Work* 2009; 14: 233-42.
25. Reinoso M, Fornis M. Stress, coping and personal strengths and difficulties in internationally adopted children in Spain. *J Children Youth Serv Rev* 2010; 32: 1807-10.